



**Research article**

**Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)**  
Razi University, Vol. 9, Issue 4 (36), Winter 2020, pp. 19-37

## **Study and Criticism of the Novel *Om Saad* and *Shina's Daughter* Based on Critical Discourse Analysis**

**Mahin Hajizadeh<sup>1</sup>**

Associate Professor of Arabic literature, Faculty of Literature and Humanities, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

**Masoumeh Ghahramanpour<sup>2</sup>**

Ph.D. student of Arabic literature, Faculty of Literature and Humanities, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

**Received:** 10/05/2017

**Accepted:** 11/20/2019

### **Abstract**

Critical discourse is the complete form of discourse analysis, in which the language layers of effective discourses in literary work are identified and examined. In fact, this theory is based on two main axes: linguistic analysis and social analysis, and in critical discourse analysis studies of these two axes, and the relation between these two words are examined. In the social approach of discourse, situational context and in the linguistic approach, textual text is described. This research is based on the types of connections and links, tries to study the literary and social aspects of the novel *Om Saad* Ghassan Konfani and *the daughter of Shina's* Behnaz Zarabzadehon on the basis of the critical discourse model of Fairclough. The descriptive-analytical method and the use of library tools Including: At the level of description, scenes depict a significant part of these two novels, these illustrations help the reader to gain a deep understanding of the subject and the main content of the story and novel. At the level of the commentary, the context of the story is analyzed, the time in *Om Saad* novel dates from the years of the occupation of Palestine by the Zionist occupation and the *Daughter of Shina* to the years of the war between Iran and Iraq. At the level of explanation, it reflects the ideology of the writer, the struggle and resistance to the occupation of the homeland, stability and resistance. Also, in the internal context, the thinking of combating occupation and sustainability and resistance have been addressed to the author.

**Keywords:** Comparative Literature, Critical Discourse, *Om Saad*, *Shina's Daughter*.

---

1. Corresponding Author's Email:  
2. Email:

hajizadeh@azaruniv.ac.ir  
masoomeh.ghahramanpour@yahoo.com



کاوشنامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)  
دانشگاه رازی، دوره نهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۶)، زمستان ۱۳۹۸، صص. ۳۷-۱۹

## بررسی و نقد رمان /م سعد و دختر شیما براساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فر کلاف

مهین حاجیزاده<sup>۱</sup>

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

معصومه قهرمان پور<sup>۲</sup>

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

دریافت: ۱۳۹۶/۷/۱۳  
پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۲۹

### چکیده

گفتمان انتقادی، شکل تکامل یافته تحلیل گفتمان است که در آن با توجه به لایه‌های زبانی، گفتمان‌های مؤثر در اثر ادبی شناسایی و بررسی می‌شود؛ در واقع این نظریه براساس دو محور اصلی، یعنی تحلیل زبان‌شناختی و تحلیل اجتماعی استوار است و در پژوهش‌های تحلیل گفتمان انتقادی، از این دو محور و ارتباط این دو، سخن گفته می‌شود. در رویکرد اجتماعی گفتمان، بافت موقعیتی و در رویکرد زبان‌شناختی، بافت متی شرح می‌شود. پژوهش حاضر با توجه به انواع ارتباط‌ها و پیوندها، می‌کوشد تا با روش توصیفی- تحلیلی و استفاده از ابزار کتابخانه‌ای، جنبه‌های ادبی و اجتماعی رمان /م سعد غسان کفانی و دختر شیما بهنار ضرایی زاده را برپایه الگوی گفتمان انتقادی فر کلاف بررسی کند و برآوردهایی از جمله را در بر دارد: در سطح توصیف، صحنه‌پردازی بخش قابل توجهی از این دو رمان را به خود اختصاص می‌دهد، این تصویرپردازی‌ها به خواننده کمک می‌کند تا به درک عمیقی از موضوع و درون‌مایه اصلی داستان و رمان دست یابد. در سطح تفسیر، بافت موقعیتی داستان بررسی می‌شود که زمان در رمان /م سعد به سال‌های اشغال فلسطین بهوسیله اشغالگران صهیونیستی و در دختر شیما به سال‌های جنگ بین ایران و عراق برخی گردد. در سطح تبیین که ییانگر ایدئولوژی نویسنده است، مبارزه و مقابله با اشغال وطن و پایداری و مقاومت جلوه می‌نماید؛ همچنین در بافت درونی، تفکر مبارزه با اشغال و پایداری و مقاومت مورد توجه نویسنده قرار گرفته است.

**واژگان کلیدی:** ادبیات تطبیقی، گفتمان انتقادی، /م سعد، دختر شیما.

## ۱. پیش‌گفتار

### ۱-۱. تعریف موضوع

تحلیل گفتمان، مجموعه‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که می‌توان از آن برای پژوهش در متون مختلف استفاده کرد. در این رویکرد، پژوهشگر برآن است که رابطه بین مؤلف، متن و خواننده را نشان دهد و در حقیقت معانی نهفته در متن را کشف کند.

تحلیل گفتمان برای نخستین بار در سال ۱۹۵۲م. در مقاله «تحلیل گفتمان»، از سوی زبان‌شناس معروف انگلیسی، زلیگ هریس<sup>۱</sup> به کار رفت. وی در این مقاله، دیدی صورت گرایانه از جمله به دست داد و تحلیل گفتمان را تنها نگاهی صورت گرایانه (ساختار گرایانه) به جمله و متن برشمرد (ر.ک: بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۲۲). پس از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند؛ اما تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی متوقف نماند؛ بلکه در مدتی نزدیک به دو دهه، به همت اندیشمندانی همچون میشل فوکو<sup>۲</sup>، ژاک دریدا<sup>۳</sup>، فرکلاف<sup>۴</sup>، میشل پشو<sup>۵</sup> و دیگر متفکران بر جسته مغرب‌زمین شکل انتقادی به خود گرفت (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۷-۱۰)؛ بنابراین، تحلیل گفتمان انتقادی یک گام فراتر از تحلیل گفتمان صرف است؛ زیرا تأثیر و تأثیر محیط اجتماعی و گفته‌پرداز از هم و برهم را بررسی می‌کند.

برپایه این نظریه، میان متن و زمینه متن، رابطه تعاملی وجود دارد و قدرت حاکم بر جامعه، ایدئولوژی گفتمان آن جامعه را تعیین می‌کند. تئوری نورمن فرکلاف، برخلاف تحلیل‌های سنتی که تنها به یک جنبه از متن اهمیت می‌دادند و جواب دیگر مانند بافت موقعیتی، شرایط اجتماعی، سیاسی، عاطفی و ایدئولوژیکی را نادیده می‌گرفتند، از ابعاد مختلف به متن نگریسته و تحلیل کلی و چندلایه از آن به دست می‌دهد. مفاهیمی همچون ایدئولوژی و قدرت از موضوعات مهمی هستند که در نظریه نورمن فرکلاف بسامد بالایی دارند. وی گفتمان انتقادی را پیشتر در برابر ایدئولوژی جاری جامعه به کار می‌گیرد و بر این باور است که گفتمان‌ها به وجود می‌آیند تا ایدئولوژی طبیعی شده را به چالش کشیده و با دردست گرفتن قدرت و سلطه، ایدئولوژی خود را فعال کنند. در این نظریه، «زبان» نقش بر جسته‌ای داشته و بخشی از جامعه محسوب می‌شود. به باور فرکلاف، زبان این قدرت را دارد که به اهداف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شکل دهد. تغییرات این روندها را نشان دهد و نیز عامل این تغییرات باشد (ر.ک: سعیدی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۸۶).

1. Zelig Harris
2. Michel Foucault
3. Jacques Derrida
4. Norman Ferrakloff
5. Michel Pacho

یکی از زمینه های مناسب برای تحلیل گفتمان انتقادی، رمان است. اهمیت روایت در نقل رخدادها تا آنچاست که بهمنزله ابزاری برای بیان زندگی مردم و اوضاع جامعه آنان استفاده شده است. نوشتار پیش رو نیز متن دو رمان /م سعد و دختر شینا را تحلیل کرده است. نویسنده گان این دو رمان به ترتیب کفانی<sup>(۱)</sup> و ضرابی زاده<sup>(۲)</sup>، با توجه به نهادهای قدرت در جامعه و مسائلی همچون مؤلفه جنگ و پایداری که در تعیین گفتمان موجود در جامعه نقش دارند؛ رمان های خود را که بازتاب خوبی در میان مخاطبان داشته اند را به رشتہ تحریر درآورده اند. در هر دو رمان، مسئله اصلی، مقاومت مردم فلسطین و ایران است که کفانی و ضرابی زاده واقع گرا، به خوبی به آن جامه عمل پوشانده اند. در این پژوهش حاضر با توجه به اهمیت جایگاه این دو رمان، نقد آنها از زوایای مختلف اقبال و اهمیت دارد. رمان های یادشده عناصر منحصر به فردی برای عرضه آن در بوته نقد از منظر گفتمان انتقادی دارند و از انواع الگوهای موجود در این زمینه، با الگوی فرکلاف سازگارتر است.

## ۱-۲. صرورت، اهمیت و هدف

با توجه به اینکه تحلیل گفتمان روش پژوهش در علوم انسانی است و نشان می دهد که شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، کاربرد زبان، معنی و ساختارها چگونه بر متن اثر می گذارند و با درنظر گرفتن اینکه گفتمان انتقادی فرکلاف، رویکردی مهم و کارآمد در تحلیل متون ادبی و غیر ادبی به شمار می رود و نقش شایانی در فهم لایه های عمیق متن ها ایفا می کند؛ بنابراین، پژوهش در این زمینه، اهمیت بسیاری خواهد داشت؛ از این رو، جستار پیش رو با تکیه بر رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف جهان اجتماعی و روابط قدرتی که در دو رمان /م سعد و دختر شینا پنهان هستند، را بررسی می کند.

## ۱-۳. پرسش های پژوهش

- پدیده جنگ در گفتمان رسمی و گفتمانی که غسان و ضرابی زاده با به کارگیری شخصیت های داستان هایشان به وجود آورده اند؛ چه تفاوت ها و شباهت هایی باهم دارند؟
- رمان /م سعد و رمان دختر شینا، از چه لایه های گفتمان انتقادی برخوردار است؟
- موقعیت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که باعث خلق این دو رمان شده است، چه عناصری را در خود نهفته دارد؟

## ۱-۴. پیشنهاد پژوهش

مباحث ساختارشناسی زبانی و مؤلفه های گفتمان مدار در ادبیات و آثار ادبی در چارچوب تحلیل گفتمان به ویژه پس از گسترش رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در میان پژوهشگران از اقبال خوبی برخوردار بوده

است. در این میان، سهم رمان‌ها در بررسی مباحث گفتمانی بیشتر بوده و مطالعات و پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

عباسی و عبدالی (۱۳۹۱)، به این نتیجه رسیده‌اند که سحر خلیفه، از نویسنده‌گان زبردست عرصه رمان‌نویسی پایداری ادبیات عرب محسوب می‌شود که گفتمان ادبی را برای بیان دردها و مشکلات ملت فلسطین به کار می‌برد. بافت موقعیتی رمان به دهه هشتاد برمی‌گردد. عاطفة صادق و فکر و اندیشهٔ پایداری، جزء بافت درونی رمان و تناصر (بینامتنی)، تصویر هنری و تکرار و صحنهٔ پردازی جزء بافت بیرونی رمان محسوب می‌شود و زبان نیز، عنصر مهمی در گفتمان ادبی وی به‌شمار می‌رود. او دیدی فمینیستی و طبیعت‌گرایانه را در رمانش به همگان القاء می‌کند.

فلاحتی و همکاران (۱۳۸۹)، ضمن تقسیم ساخت‌های متئی گلستان به دو دسته ساخت‌های گفتمان‌مدار روایی و پیام‌گزار، متئی از باب نخست تجزیه و تحلیل کرده و نشان داده‌اند که مؤلفه‌های گفتمان‌مدار مبتنی بر پوشیدگی همچون حذف، منفعل‌سازی، تشخص‌زدایی، نوع ارجاعی و طبقه‌بندی، در مقایسه با مؤلفه‌های مبتنی بر صراحة، از بسامد بالایی در گلستان برخوردارند. درنهایت، پس از محاسبه میزان رازآلودگی و تبیین آن، چنین استنباط کرده‌اند که یکی از ابعاد راز ماندگاری سخن سعدی، بهره‌گیری وی از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار مبتنی بر پوشیدگی (از دیدگاه گفتمان‌شناسی، نه عرفان و ادبیات) است که برای وی این امکان را فراهم آورده است تا برخلاف بسیاری از متون، با بافت‌زدایی زمانی، مکانی، تاریخی، سیاسی و پوشیده کار گزاران، کنش‌گران و کنش‌پذیران حکایت‌ها، پیام خود را از زبان اینان برجسته کرده و اثر خویش را در ورای زمان، برای تمامی عصرها و نسل‌ها جاودان سازد.

سجودی و احمدی (۱۳۸۸)، به این نتیجه رسیده‌اند که با وجود تأکید همیشگی بر زن محور بودن سینمایی که مؤلف در آن زن است؛ به دلیل انتقال بی‌واسطه سلطه سنت‌های سینمایی و شکل‌گیری گفتمان روایی حاکم بر این اساس، فیلم‌ساز زن نیز ناخودآگاه از منظری مردانه به مسائل ایدئولوژیک نهفته در زبان، جنسیت، طبقه و فرهنگ می‌نگرد. نگرشی که محصول فرایند طبیعی‌سازی و رسوب الگوهای قالبی و از پیش تعیین شده به‌وسیله گفتمان غالب است.

آقاگل زاده (۱۳۸۶)، به طور کلی رابطه نظریه گفتمان انتقادی با ادبیات را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده است که تحلیل گران رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی معتقدند که تولید، فهم، خوانش و تحلیل متون به عواملی همچون بافت خرد و کلان از جمله مسائل فلسفی، تاریخی، سیاسی، جامعه‌شناسی، ایدئولوژیکی و گفتمان وابسته است؛ زیرا رابطه بین مردم و جامعه به‌طور تصادفی و دلخواهی نیست؛ بلکه با نهادهای

اجتماعی و دیگر عوامل دخیل در گفتمان تعیین می‌شود و ادبیات و متون ادبی هر دوره نیز در بافت خاصی تولید، تحلیل و تفسیر می‌گردد.

پژوهش‌های انجام شده بر پایه این رویکرد، نشان از اهمیت و کارسازی آن در تحلیل جامع و مفید از اثر ادبی دارد. با توجه به پیشینه بحث مشخص شد که دو رمان یادشده، آن‌هم در قالبی تطبیقی از منظر گفتمان انتقادی در هیچ‌یک از مقالات و کتاب‌ها مورد توجه قرار نگرفته و جستار حاضر می‌کوشد این دو رمان را در سطوح سه‌گانه گفتمان انتقادی فر کلاف ارزیابی کند.

### ۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، جنبه‌های ادبی و اجتماعی رمان /م سعد غسان کتفانی و دختر شینا بهناز ضرایی زاده بر پایه الگوی گفتمان انتقادی فر کلاف بررسی می‌کند و در این راستا، رمان‌های پیش‌گفته را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، تحلیل و مقایسه می‌کند.

### ۲. پردازش تحلیلی موضوع

#### ۲-۱. تحلیل گفتمان انتقادی و رویکرد فر کلاف

تحلیل گفتمان ریشه در زبان‌شناسی دارد. بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری مانند گفت و گوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و تحلیل متن، شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و... دانسته‌اند. مطالعات گفتمانی بر این نکته تأکید دارد که کاربرد زبان و تفکر به‌شكل همیشگی و کار کردی در تعامل اجتماعی گفتمان نمود می‌یابد (ر.ک: وان دایک، ۱۳۸۲: ۷۲).

دیری نپایید که رویکرد دیگری در زبان‌شناسی پدید آمد که از آن باعنوان «زبان‌شناسی انتقادی» یاد می‌شود. تحلیل گفتمان انتقادی، ریشه در زبان‌شناسی انتقادی دارد. در اوخر دهه ۱۹۷۹، گروهی از زبان‌شناسان پیرو مکتب نقش گرای هالیدی یعنی فاولر<sup>۱</sup>، هاج<sup>۲</sup>، کرس<sup>۳</sup>، و ترو<sup>۴</sup> با انتشار کتاب زبان و کنترل، نگرش انتقادی به زبان را پایه‌گذاری کردند. آنان این رویکرد را «زبان‌شناسی انتقادی» نام نهادند. هدف از وضع این اصطلاح، آشکار کردن روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیکی موجود در متون زبانی بود. زبان‌شناسان انتقادی این حرکت را جدایی از زبان‌شناسی توصیفی می‌دانستند که تنها به ساختارها و صورت متن توجه دارد و به کار کردهای اجتماعی آن توجه نمی‌کند. آنان سه اصل مهم را مبنای کار خود قرار دادند: ۱. «زبانی که به کار می‌بریم» ییانگر دیدگاهی خاص نسبت به واقعیت است. ۲. «تنوع در گونه‌های

1. Roger Fowler

2. Bob Hodge

3. Gunther Crosse

4. Tony Trow

گفتمان از عوامل اقتصادی و اجتماعی جدایی ناپذیرند»؛ از این رو، تنوع زبانی منعکس کننده تفاوت‌های اجتماعی ساخت‌مندی است که این تنوع زبانی را ایجاد می‌کنند.<sup>۳</sup> «به کار گیری زبان فقط بازتاب فرایند و سازمان اجتماعی نیست، بلکه بخشی از فرایند اجتماعی است.» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۵۱).

تحلیل گفتمان انتقادی بر سازه گرایی اجتماعی مبتنی است. به طور اساسی، تحلیل گفتمان ساخت‌گرا و نقش‌گرا، در این چارچوب نمی‌گنجند، ولی تحلیل گفتمان انتقادی، به‌ویژه رویکرد فرکلاف، فوکو، و نظریه گفتمان لاکلا<sup>۱</sup> و موف<sup>۲</sup>، همگی ریشه در سازه گرایی اجتماعی دارند. و «تحلیل گفتمان انتقادی تنها به بررسی ساختار زبان نمی‌پردازد؛ بلکه به بررسی افراد و نهادهایی می‌پردازد که شیوه‌هایی برای معناپردازی از متن دارند؛ لذا در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی، گفتمان کاوی، تجزیه و تحلیل ساختارها و معناهایی است که باز ایدئولوژیک دارند.» (مکاریک، ۱۳۸۲: ۱۶۰-۱۶۱).

در نقد امروز ثابت شده که بدون درنظر گرفتن موقعیتی که داستان یا رمان در تعامل با آن شکل گرفته است، نمی‌توان تحلیلی جامع از آن ارائه کرد؛ به همین دلیل، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر تحلیل گفتمان انتقادی و درنتیجه در حوزه نقد محتوایی قرار دارد. نورمن فرکلاف در رویکرد گفتمان انتقادی خویش - که مبنای تحلیل ماست - از نظریات تعدادی از نظریه‌پردازان انتقادی - اجتماعی، چون مفهوم نظم گفتمان فوکو و گرامشی استفاده کرده است که در تبیین و کشف دیدگاه‌های ایدئولوژیک هژمونی نویسنده‌گان و نظرگاه‌های سیاسی آنان بسیار کارآمد است. از نظر او، تحلیل گفتمان به سه سطح تقسیم می‌شود: سطح اول، توصیف: گفتمان به مثابه متن (شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوازی و انسجام در سطح بالاتر از جمله)؛ سطح دوم، تفسیر: گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن (بحث از تولید و مصرف متن)؛ و سطح سوم، تبیین: که به رابطه بین تعامل و بستر اجتماعی و درواقع با تعیین اجتماعی فرایندهای تولید، تفسیر و تأثیرهای اجتماعی آن‌ها مرتبط است (ر.ک: یحیایی ایله‌ای، ۱۳۹۰: ۶۰).

## ۲-۲. رمان / ام سعد

مجموعه حوادث رمان، حول شخصیت اصلی آن، زنی به نام «ام سعد» می‌چرخد که در نه پرده یا لوح مجرزاً ارائه شده و رشته زمانی مبهمی آن‌ها را بهم پیوند زده است. لوح اول رمان با کاشتن نهال خشکیده‌ای آغاز می‌شود که صبح اوّلین روز پس از شکست، به دست ام سعد در حیاط خانه راوی رمان کاشته می‌شود تا بعدها در لوح نهم جوانه بزند و پیشگویی ام سعد در خصوص حتمی بودن پیروزی و رسیدن صبح امید پس از طی شب ظلمت و شکست محقق شود. ام سعد شخصیت بی‌همتا و قهرمان اصلی و بی‌بدیل سراسر رمان

1. Ernesto Laclau  
2. Shental Mouffe

است. وی زن روستایی زحمتکش و بی‌سواندی است که در چهل سالگی همزمان با اشغال اویلیه بخش‌هایی از خاک فلسطین به‌وسیلهٔ صهیونیست‌ها در سال ۱۹۴۸، مجبور به ترک دهکده‌اش شده و همچون سایر فلسطینیانِ اخراجی، در یکی از اردوگاه‌های بیروت پناه گرفته است. از آن پس، سرنوشت ام سعد همواره این بوده که به‌منزلهٔ خدمتکار در منزل راوی و خانه‌های دیگران مشغول کار شود تا از عهدهٔ مخارج گران زندگی خانواده برآید.

### ۳-۲. رمان دختر شینا

دختر شینا، داستان کمایش مفصل و بسیار زیبایی از زبان همسر یکی از شهدای هشت سال دفاع مقدس است. این رمان در نوزده فصل روایت شده است که از دوران کودکی «قدم خیر» آغاز می‌شود؛ از زمانی که نامش را به‌خاطر قدم خوشی که داشت، قدم خیر گذاشتند تا زمانی که حمامهٔ زندگی اش را در پشت جبهه‌ها رقم زد و نامش به‌منزلهٔ همسر شهید «حاج ستار ابراهیمی هژیر» در تاریخ این کشور ماندگار شد.

در ابتدای داستان، روزهای کودکی راوی بیان می‌شود که در روستای قایش متولد شده و به‌خاطر خوش قدم‌بودن، «قدم خیر» نام می‌گیرد، عزیزکرده و مورد توجه پدر و مادرش، حاجی آقا و شیرین جان است و بیشتر از هر کس به پدرش دلبستگی دارد. این دلبستگی او باعث می‌شود که هر طور شده از بار ازدواج شانه خالی کند؛ اما حضور «صمد» و خواستگاری اش از «قدم خیر» و واسطه‌گری ریش سفیدان محل، ناگهان پای دختر نوجوان عزیز دردانه را به دنیایی بسیار عمیق‌تر و وسیع‌تر از خانهٔ کودکی‌ها یاش باز می‌کند. قدم خیر پیش از آنکه به ازدواج «صمد» – که نام شناسنامه‌ای اش «ستار» است – دریاید، بارها و بارها از نگاه او می‌گریزد و انگار از همان ابتدا در تقدیر این‌دو، دوری و دلتنگی رقم خورده است. صمد به سربازی می‌رود، پس از ازدواج برای کار از روستا به تهران سفر می‌کند، برای چند روز بازمی‌گردد و کمی بعد، انقلاب ۱۳۵۷ و جریان قیام مردم بین این دو فاصله می‌اندازد، باز می‌گردد و سپس دفاع مقدس آغاز می‌شود و دست آخر شهادت است که این دو را تا وفات قدم خیر از یکدیگر جدا می‌کند. داستان وقتی به اوج مصیبت می‌رسد که عملیات کربلای پنج آغاز می‌شود. صمد به عنوان یکی از فرماندهان عملیات، برادرش را از دست می‌دهد و خود او نیز کمی پس از شهادت برادرش، شهید می‌شود. آخرین بخش داستان، رسیدن خبر شهادت صمد و یتیم شدن پنج دختر و پسر قدم خیر ۲۴ ساله است.

### ۴-۴. گفتمان انتقادی دو رمان

#### ۴-۱. در سطح توصیف

در این مرحله، متن جدای از سایر متن‌ها و زمینه و اوضاع اجتماعی بررسی می‌شود. مجموعهٔ ویژگی‌های صوری که در یک متن یافت می‌شوند، می‌توانند به‌منزلهٔ انتخاب‌های خاصی از میان گزینه‌های مربوط به

واژگان و دستور موجود تلقی شوند که متن از آن‌ها استفاده می‌کند. این تحلیل، تحلیل انتراعی متن است. در این مرحله باید پرسش‌هایی را درنظر داشت: کلمات کدام ارزش تجربی را دارند؟ چه نوع روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی) به لحاظ ایدئولوژیک بین کلمات وجود دارد؟ ویژگی‌های دستوری کدام ارزش‌های تجربی را دارند؟ چه نوع فرایندها و مشارکینی مسلط هستند؟ آیا کتش گر نامشخص است؟ آیا فرایندها همان‌هایی هستند که به نظر می‌رسند؟ آیا از فرایند اسم‌سازی استفاده شده است؟ جملات معلوم‌اند یا مجھول؟ مثبت‌اند یا منفی؟ ویژگی‌های دستوری کدام ارزش‌های رابطه‌ای را دارند؟ از کدام وجه‌ها (خبری، پرسشی، دستوری) استفاده شده است؟ آیا بین ویژگی‌های مهم و جه‌ساز رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا از ضمایر ما و شما استفاده شده است؟ اگر پاسخ مثبت است، نحوه استفاده از آن‌ها چگونه بوده است؟ جملات ساده چگونه به یکدیگر متصل شده‌اند؟ از کدام کلمات ربطی منطقی استفاده شده است؟ آیا جملات مرگب از مشخصه‌های هم‌پایی یا وابستگی برخوردارند؟ برای ارجاع به داخل و بیرون متن از چه ابزارهایی استفاده شده است؟ (فرکلاف، ۱۶۷۹: ۱۶۷-۱۷۱).

این سطح، درواقع بررسی بافت بیرونی متن از نظر ساختار گرایی و زیان‌شناسی است که در زیر به شرح کلی آن پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که در مرحله توصیف ظواهر بیرونی متن که به‌مانند پل به‌منظور کشف و بررسی محتویات درونی متن که در سطح تبیین مطرح می‌شود بایستی در مرحله توصیف کشف و شناسایی شود.

رمان آم سعد و دخترشینا درمورد جنگ است، اما جنگ در اینجا نه از نگاه سردمداران و قدرتمندان، بلکه از نگاه مردم عادی اجتماع بهنمايش گذاشته شده است. به طور معمول، رمان‌های مقاومت و جنگ از دیدگاه طبقه‌پایین جامعه که در گیر جنگ هستند، روایت می‌شود؛ زیرا زوایه ذهن افراد معمولی به جنگ، واقع‌بینانه و به دور از هرگونه ملاحظه‌ای است. آن‌ها به جنگ از لحاظ تأثیرات مثبت و منفی‌ای که در زندگی‌شان دارد، می‌نگرند و تفسیرهای درستی از آن ارائه می‌دهند. درمجموع، آم سعد و دخترشینا، شرایط زندگی در فلسطین و ایران را در همان سال‌های جنگ روایت می‌کنند؛ اما نوع نگرش آن‌ها افزون بر شباهتها، از تفاوت‌هایی نیز برخوردار است. این نگاه، سبب شکل‌گیری زبانی ساده و شفاف در در دو رمان شده است؛ همچنین عامی بودن زبان و برخورداری از لهجه عامیانه در دو اثر، از نتایج به کار گیری این زوایه دید در رمان است برای مثال، در رمان آم سعد آمده است:

«سعد ورفاقه. قال لي المختار إِنَّمَا ضَحْكُوا عَلَيْهِ، وإن سعد سأله شو يعني أوادم.» (۱۳: ۲۰۱۶)  
(ترجمه: سعد و دوستانش. مختار به من گفت، آن‌ها به او خنده‌یدند و سعد از او پرسید منظورت از آدم بودن چیست!)

یا در جایی دیگر می‌گوید:

«یما یما ... یاما ردی علی ... آنا هون ... آنا سعید یاما جوعان.» (همان: ۴۳)

(ترجمه: یاما یاما جوابم را بدده، من اینجا هستم، خوشحالم، گرسنه‌ام.)

یا در مواردی از رمان دختر شینا آمده است:

«واقعاً شوکه شده بودم، به پت‌پت افتادم و پرسیدم مادر چیزیش شده.» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۰۵)

همچنین در جایی دیگر می‌نویسد:

«بعد خدا حافظی کرد و رفت. خدیجه صدایم کرد و گفت: «قدم! باز که گند زدی، چرا نیامدی تو، بیچار، بیبن برایت چی آورده؛ و به چمدانی که دستش بود اشاره کرد و گفت دیوانه! این را برای تو آورده.» (همان: ۳۳).

همان گونه که ملاحظه می‌شود، زبان اثر عامیانه و گفتاری و ساده است و این با زوایه دید داستان و موضوع مورد روایت مناسب است. جنگ، پدیده‌ای است که در آن انسان‌های عادی نقش ایفا می‌کنند. در این میان، دهشتناک‌ترین سوگ نامه‌های انسانی رقم می‌خورد؛ از طرفی بیشترین قربانیان جنگ، نه سیاستمداران و مسیبین جنگ و نه سربازان؛ بلکه شهروندان عادی هستن؛ بنابراین، پرداختن به این طیف و طبقه از مردم، از نگاه هردو رمان‌نویس مورد بحث (کفانی و ضرابی‌زاده) از اهمیت بسزایی برخوردار است و آن‌ها مردمان خاکستری جامعه را در قبال پدیده مرگ به خواننده نشان می‌دهد.

هدف کفانی ارائه تصویری غیر واقع‌سینه و رمانیک از مرگ نیست؛ از این‌رو، توصیف او از مرگ واقعی و بنابر رویکرد رئالیسم گرای اوست. ترسیم فضای جنگ و جامعه، از دغدغه‌های اصلی این نویسنده است. از این‌رو، می‌کوشد تا این تصویر واقعی و چه‌بسا تلخ را برای خواننده به نمایش بگذارد:

«كان ذلك الصباح تعيساً. وبدت الشمس المتوهجة وراء النافذة وكانتا مجرد فرسن النار يلتهب تحت قبة من الفراغ المروع، كأن نطوي أنفسنا على بعضها كما ظلوا الرؤى. وفجأة رأيتها قادمة من رأس الطريق المخاطب بشجار الزيتون وبدت أمام تلك الخليفة من الفراغ والصمت والأسى مثل شيء يبتق من رحم الأرض. قمت ووقفت أمام النافذة وأخذت أنظر إليها تمشي بقامتها العالية كرمح يحمله قدر خفي.» (۹: ۲۰۱۳)

(ترجمه: آن صبح، صبح شومی بود. خورشید در خشان در پشت پنجره ظاهر شد، گویی فقط شعله‌ای از آتش است که در زیر گبد خلائی وحشتناک می‌سوزد، ما در هم‌دیگر می‌بیچیدیم، همان‌طور که پرچم‌ها پیچیده می‌شوند. ناگهان، او را دیدم که از بالای جاده‌ای که با درختان زیتون احاطه شده بود، می‌آمد. خلا، سکوت و اندوه در وجود او همانند چیزی که از رحم زمین بیرون می‌آمد، نمایان بود. برخاستم و جلوی پنجره ایستادم و شروع به دیدن او کردم. او که با قامت بلندش مثل نیزه‌ای که سرنوشت پنهانی آن را حمل می‌کند، در حال قدم‌زن بود.)

با وجود این توصیف تلحی و واقع‌بینانه‌ای که کنفانی به پدیده جنگ دارد و این پدیده در لایه‌های زبانی رمان با آن همه وحشت و سختی نمود یافته، در اثر ضرایبی زاده بهدلیل غلبه نگاه عرفانی و گاه رمانیک نویسنده، از این تلحی کاسته شده و با نگاه خوش‌بینانه به تقدیر جنگ و شهادت می‌نگرد؛ البته صبغه خاطره‌نویسی که بر رمان دخترشیناً غلبه دارد، در پدیدآمدن این قضیه بی‌تأثیر نبوده است و در خاطرات همه تلحی‌ها نیز با بیانی خاطره‌انگیز و خوب نمایان می‌شود؛ مانند نمونه زیر:

«به باغ بهشت که رسیدم، دویدم. گفتتم «می‌خواهم حرف‌های آخرم را به او بگویم». چه جمعیتی آمده بود. تا رسیدم، تابوت روی دست‌های مردم به حرکت درآمد. دنبالش دویدم، دیدم تابوت آن جلو بود و متظر ماست. ایستادم توی صف. بعد از نماز، صمد دوباره روی دست‌ها به حرکت درآمد، همیشه مال مردم بود. داشتند می‌بردندهش؛ بدون غسل و کفن. با همان لباس سبز و قشنگ». (ضرایبی زاده، ۱۳۹۰: ۲۴۷)

فضایی که کنفانی و ضرایبی زاده در اینجا ترسیم می‌کنند؛ فضای رنج و ترس است، اما نگاه ضرایبی زاده، رمانیک‌تر و دلنشیز‌تر است و این از تأثیرگذاری مقوله شهادت به عنوان یکی از نهادهای گفتمانی قدرت در جامعه شیعه است. به طور کلی شخصیت رمان‌های جنگ همواره در احساسی از خلا و سرگردانی و ستم به سر می‌برند. شاید این امر به تاریخ و جغرافیای مکانی برگردد که نویسنده‌گان حوزه ادبیات پایداری در پی نشان‌دادن آن به مخاطبانشان هستند. در این رمان‌ها نیز کنفانی و ضرایبی زاده همان فضای را در گیر در جنگی که شهر و ندان ناخواسته با آن رو به رو می‌شوند، به تصویر می‌کشند.

از لحاظ واژگانی، نوع واژگانی که در متن این رمان‌ها دیده می‌شوند، حال و هوای آن روزها را در ذهن تداعی می‌کند. کاربرد پرسامد واژگانی همچون جنگ، انفجار، شهید، مقاومت و مردم، از جمله این کلمات هستند که مدام در رمان‌های پیش‌گفته تکرار می‌شوند. کلماتی همچون پادگان و آواره‌گاه، شهادت، مخیم و... در هر دو رمان از پسامد بالایی برخوردارند.

راوی‌بودن زن، یکی دیگر از موارد قابل بررسی دو رمان در سطح توصیف است. در رمان ام سعد، زنی که فرزندش را به جنگ فرستاده و در رمان دخترشیناً، زنی که همسرش در جنگ شهید شده است؛ بنابراین، هردو، حال و روز دو زن تنها را روایت می‌کنند و زبانی متناسب با چنین شخصیتی اختیار کرده‌اند و بدین واسطه، عنصر عاطفه در این دو رمان موج می‌زنند و فضای عاطفی در ییشتر مواضع رمان بر فضای واقعی و حقیقی غلبه دارد؛ همان‌طور که در مورد زیر از رمان کنفانی که ام سعد قصه شهادت فرزندش را روایت می‌کند، دیده می‌شود:

«قلت للمرأة التي جلست بجانبي في الباص أنَّ ولدي أضحى مقاتلاً آنذاك، ... ولذلك تذكرت الآن قلت لها أيَّ أحبه وأشاشةق

له، ... أَنْعَنِدَ أَكْمَمْ سِيعَطُونَهُ رِشاشَا؟ ... أَوْدُ لَوْ كَانَ قَرِيبًا فَأَحْمَلَ لَهُ كَلَّ يَوْمٍ طَعَامَهُ مِنْ صُنْعٍ يَدِي.» (۳۲: ۲۰۱۳)

(ترجمه: من به زنی که در اتوبوس کارم نشسته بود، گفتم که پسرم در آن زمان رزمنده شده است... الان به یاد آوردم که به او گفتم من عاشق پسرم هستم و دلم برای او تنگ می‌شود، ... آیا فکر می‌کنی به او مسلسل می‌دهند؟ ... دوست دارم اگر نزدیک بود، هر روز دست پخت خودم را برایش می‌بردم.)

ضرابی زاده از زبان راوی داستان قدم خیر، خدا حافظی با صمد را به زیبایی و بالحنی عاطفی روایت می‌کند: «می‌خندید و دندان‌های سفیدش برق می‌زد... دلم می‌خواست خم شوم و به یاد آخرین دیدار مان پیشانی اش را بیوسم. زیر لب گفتم: خدا حافظ. همین. دیگر فرصت حرف بیشتری نبود. چند نفر آمدن و صدم را بردن. صمدی که عاشقش بودم او را بردند و از من جدا شدند. سنگ لحد را که گذاشتند و خاک‌ها را رویش ریختند، یک دفعه یخ کردم، آن پاره‌آتشی که از دیشب توی قلبم گر گرفته بود، خاموش شد.» (۱۳۹۰: ۲۴۸)

## ۲-۴. در سطح تفسیر

متون براساس پیش‌فرض‌هایی که به ویژگی‌های متنی ارزش می‌دهد، تولید و تفسیر می‌شوند. تفسیرها، ترکیبی از محتویات متن و ذهنیت (دانش زمینه) مفسر است که در تفسیر متن به کار می‌بنند (ر.ک: فر کلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). درواقع، مرحله تفسیر روش می‌سازد که فاعلان در گفتمان مستقل نیستند. از نظر فر کلاف، قلمروهای تفسیر زمینه متن مانند زمینه‌های بینامتنی بر آگاهی‌های پیشین، مانند نظم‌های اجتماعی و کنش مقابله تاریخی، منطبق است. در این سطح نیز باید به پرسش‌هایی چند نظر داشت: ۱- بافت یا زمینه: تفسیرهای مشارکین گفتمان از بافت موقعیت و بینامتنی چیست؟ ۲- انواع گفتمان: چه نوعی از گفتمان مورد استفاده خواهد بود؟ مرحله تفسیر به خودی خود بیانگر روابط قدرت و سلطه و ایدئولوژی‌های نهفته در پیش‌فرض‌های یادشده نیست تا کنش‌های گفتمانی معمول را به صحنۀ مبارزۀ اجتماعی تبدیل کند. در تحقیق این هدف مرحله تبیین ضرورت دارد (ر.ک: همان: ۲۱۵-۲۴۴).

در این مرحله، چهار پرسش مطرح می‌شود: ۱. ماجرا چیست؟ ۲. چه کسانی در گیر ماجرا هستند؟ ۳. روابط میان آنان چیست؟ ۴. نقش زبان در پیش‌برد ماجرا چیست؟ همچنین در این مرحله توجه می‌شود که چه نوعی از انواع گفتمان وجود دارد و درنتیجه کدامیں قواعد نظام و اصول در نظام آوایی، دستور، انسجام جمله‌ای، واژگان، نظام‌های معنایی یا کاربردی به کار گرفته می‌شود. (حدادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۶؛ اما درخصوص پرسش اول باید گفت که آم سعد و دختر شینا رمان‌هایی هستند که حوادث جنگ را در فلسطین و ایران بیان می‌کنند. کنفانی و ضرابی زاده که هردو نویسنده‌ای اجتماعی و واقع گرا هستند، در زیرساخت هریک از رمان‌های خود از اتفاقی که در تاریخ فلسطین و ایران افتاده و اثرات مهمی که در

عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی داشته‌اند؛ استفاده می‌کنند تا تصویر و درکی از آن حادثه را در قالبی هنری پیش روی خواننده بگذارند. این دو نویسنده گرچه موضوعی سیاسی را که همانا جنگ است را برای پردازش انتخاب کرده‌اند؛ اما در رمان خود از توجه به لایه‌های اجتماعی و فرهنگی غافل نبوده و درمجموع، نگاهی واقع گرا در بیان تلخی‌های زندگی دارند؛ برای مثال، در رمان آم سعد انتقاد گزندۀ راوی از اوضاع اجتماعی نمایان است:

«واهتر الجبل أمامي، ثمة دموع عميقه أخذت تشق طريقها إلى فوق، لقد رأيت أناساً كثيرين يبكون. رأيت دموعاً في عيون لا حصر لها، دموع الحب واليأس والستقطط والحزن والمساة والتتصدع، رأيت دموع الوجد والتوصيل، دموع التدم والتعب، الإشتياق والجوع والحب، ولكنها أبداً، أبداً، لم تكن مثل دموع آم سعد». (۲۰: ۲۸).

(ترجمه: کوه جلوی من لرزید، اشک‌های عمیقی هستند که راه خود را به بالا باز می‌کنند، من مردم زیادی دیده‌ام که گریه می‌کنند. اشک را در چشمان تعداد بی‌شماری از آن‌ها دیده‌ام، اشک ناکامی، نامیدی، سقوط، اندوه، فاجعه و شکاف، اشک‌های وجود و توصل، اشک‌های پشمیانی و خستگی، اشتیاق، گرسنگی و عشق را دیده‌ام؛ اما هرگز، هرگز، مثل اشک آم سعد نبود.)

همان گونه که ملاحظه می‌شود شاعر با مد نظر داشتن موضوعی سیاسی، زمینه را برای بیان انتقادات و نظرات و خود در مقابل مصیت‌های موجود اجتماعی در جامعه فراهم دیده و بالحنی گزندۀ و گیرا آن را بیان کرده است. چنین ساختار و ماجرایی در رمان دختر شینا هم پدیدار است و راوی با رویکرد خاطره‌نویسی در جای مناسب به بیان انتقادات و تفسیر مشکلات اجتماعی پرداخته است؛ آنچاکه می‌نویسد:

«عصبانی بودم. گفتم از وقتی رفتی، دارم فکر می‌کنم؛ یعنی این جنگ فقط برای من و تو و این بچه‌های معصوم است. این همه مرد توی این روستاست، چرا جنگ فقط مرا گرفته است.» (ضرابی زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۴)

همان گونه که ملاحظه می‌شود، روای از پدیده جنگ دل خوشی ندارد و با وجودی که رمان دفاع مقدسی جنگ را سبب تعالی می‌داند؛ در اینجا راوی مخالفت خود را با جنگ اعلام می‌دارد که با روحیه زنانه او تناسب دارد؛ البته به تدریج این مخالفت کاسته می‌شود و راوی به مانند صمد، شخصیت اصلی داستان جنگ را وظیفه‌ای شرعی و ملی می‌داند که باید بدان عمل کرد. مهم در اینجا نگاه خاص راوی به چنین پدیده‌های اجتماعی و سیاسی است؛ اما درمجموع رمان دختر شینا کتاب خاطره است تا رمان؛ و بیشتر مشکلات شخصی و کارهای خانگی شخصیت‌ها در آن بیان شده است؛ از این‌رو کمتر بازتاب مشکلات و مصائب و مسائل اجتماعی در آن نمود یافته است. نویسنده در اشاراتی گذرا در لابه‌لای بیان مسائل شخصی خود، در صورت نیاز به مسائل اجتماعی و تفسیر آن گریزی می‌زند که در نمونه پیش گفته مشاهده شد.

شخصیت‌های هردو رمان نیز مردمی هستند که در بطن این رویدادها زندگی می‌کنند و تجربه زیستی

آن‌ها تحت تأثیر مستقیم این حوادث است. این قضیه در رمان ام سعد تبلور بیشتری دارد و این شخصیت بیشتر با مردم دم خور می‌شود؛ اما در رمان دختر شینا، به خاطر شبک خاطره‌نویسی، بیشتر جنبه فردی (خانگی) دارد تا جنبه اجتماعی و هم‌زیستی با مردم؛ برای مثال، موضوع اصلی رمان ام سعد، در پرداختن به شخصیت زن و مادری به نام ام سعد خلاصه می‌شود که هم‌زمان در دو قالب موازی تجلی یافته است؛ قالب اول مادر واقعی و انسانی و قالب دوم مادر اسطوره‌ای و نمادین. ام سعد در قالب دوم خویش نماد طبقات رحمتکش و رنج‌دیده ساکن در اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی و نیز نماینده تمام مادران فلسطینی همسان خویش است که به جای پذیرفتن خواری و نامیدی، با اراده، راه پایداری را برگزیده و در همین راستا، هم با خاک و هم با مردان سلحشور پایداری هم‌صدا و هم‌نفس شده‌اند. به نظر می‌رسد نویسنده به‌طور همزمان هم به بعد نمادین و هم واقعی شخصیت ام سعد و اینکه وی شخصیتی برخاسته از تجربه واقعی زندگی پناهندگان است، توجه دارد.

در رمان دختر شینا، قدم خیر از بیان خشم‌ها، رنجش‌ها، عشق و دلتگی‌هایش هراسی ندارد. مصیت‌های تلخ زندگی بدون صمد، از بدین‌آوردن و بزرگ کردن بچه‌هایش تا سرمای صفت نانوایی و دبه‌های بیست‌لیتری نفت را بازگو می‌کند، اما همه این سختی‌ها چیزی از استقلال او در اداره زندگی نمی‌کاهد. وی بی‌پروا روزهای زندگی همسر یک رزمنده‌بودن را روایت می‌کند. از صبوری‌ها و آرزوهایی می‌گوید که هیچ وقت محقق نمی‌شوند و با این حال، بارها می‌ایستد و برمی‌خیزد تا جنگ را تحقیر کند. کتاب، با شهادت صمد تمام می‌شود. در مجموع، نگاه زنانه قدم خیر به جنگ، با ایستادگی صمد خنثی می‌شود:

«قدم جان، این‌همه سال خانمی کردی، بزرگی کردی، خیلی جور من و بچه‌ها را کشیدی، ممنون؛ اما رفیق نیمه‌راه نشو. اجرت را بی‌ثواب نکن. بین من همان روز اویلی که امام را دیدم، قسم خوردم تا آخرین قطره خون سریازش باشم و هرچه گفت بگوییم چشم. حتی‌یادت هست؟ حال هم امام فرمان جهاد داده و گفته جهاد کنید. از دین و کشور دفاع کنید. من هم گفته‌ام چشم. نگذار روسیاه شوم.» (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۳)

اما دختر شینا ادامه دارد. او پس از فصل آخر کتاب، فصل تازه‌ای را آغاز می‌کند و آن بزرگ کردن کودکانش است. پس از صمد او می‌ماند و پنج بچه کوچک.

#### ۲-۴-۳. در سطح تبیین

از نظر فرکلاف، در سطح تبیین به این مسئله توجه می‌شود که گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتوانی‌باز ساختارها می‌گذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر این ساختارها می‌شوند؛ همچنین تأثیرات اجتماعی گفتمان بر آینده نیز می‌تواند در این قسمت بررسی شود (ر.ک: فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۶). در حقیقت در این سطح از

گفتمان، پرسش‌هایی همچون: «چه نوع از روابط در قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیتی در شکل دادن این گفتمان مؤثر است؟ چه عناصری از پیشانگاشت که مورد استفاده واقع شده‌اند دارای خصوصیات ایدئولوژیک است؟ جایگاه این گفتمان نسبت به مبارزات در سطوح گوناگون نهادی و اجتماعی چیست؟ آیا در خدمت روابط قدرت موجود است یا درجهت دگرگون ساختن آن؟» (همان: ۲۵۰-۲۴۰) و... مطرح می‌شود.

در واقع، مشخص کردن روابط قدرتی که در سطوح گوناگون اجتماعی در شکل دادن به گفتمان‌های ام سعد و دختر شینا مؤثر بوده‌اند و این پرسش که آیا این دو رمان از جمله داستان‌هایی هستند که در خدمت قدرت موجود بوده یا درجهت دگرگون ساختن آن، گام برداشته است. با توجه به این نکات درباره رمان، باید گفت که مناسبات قدرت تأثیر بارزی در نحوه شکل‌گیری و سمت و سوی حوادث دارند و با آن عجین شده‌اند و یکدیگر را نقض نمی‌کنند. قدرت بی‌بدیل سیاسی و اجتماعی در این رمان، مبارزات سیاسی و پایداری است که نیروهای برهمند و مخالف این جریان که سعی در کمزنگ کردن آن دارند، کاری از پیش نمی‌برند؛ زیرا شخصیت‌ها با تمام وجود خود را در اختیار این موضع قدرت قرار داده و همسو با آن حرکت می‌کنند. این همسویی در رمان با بهشادت‌رسیدن فرزندان ام سعد و شهادت همسر قدم‌خیر به‌نمایش گذاشته شده است:

«هذه المرأة تلد الأولاد فيصيروا فدائين، هي تحالف فلسطين تأخذ.» (۷۳: ۲۰۱۳)

(ترجمه: این زن فرزندانی به‌دینا می‌آورد که رزمنده و فدایی می‌شوند، او فرزندان خلف بر جامی گزارد و فلسطین می‌گیرد).

یا اینکه ضرابی‌زاده از نگاه راوی صحنه شهادت صمد را به گونه‌ای عرفانی مجسم می‌کند و می‌نویسد: «بقیه بدنیش سالم و سالم بود، با همان لباس سبز پاسداری اش آرام آسوده خواهید بود. صورتش مثل آن روز که از حمام آمده بود و آن پیراهن چهارخانه سفید و آبی را پوشیده بود، قشنگ و نورانی شده بود.» (۱۳۹۰: ۲۴۸)

بیشتر شخصیت‌های هردو رمان را زنان تشکیل می‌دهند که ام سعد و قدم‌خیر، اصلی‌ترین آن‌ها به‌همراه شخصیت‌های فرعی زن پرشماری که به‌طور معمول از یک طیف هستند؛ شخصیت‌هایی مبارز و اهل مقاومت و پایداری؛ و این نشان از سیطره‌گی رابطه قدرت و گفتمان جامعه بر گفتمان خاص رمان دارد؛ بنابراین، گفتمان غالب بر جامعه اسلامی ایران و فلسطین بر شکل گیری گفتمان رمان تأثیر گذاشته و رمان به‌طور کامل مطابق با این گفتمان شکل گرفته است؛ زیرا زن که باید در مقابل چنین حوادث و پدیده‌هایی

تحمل نکند و برخلاف فضا و گفتمان غالب جامعه عمل کند؛ اگر چنین نکند، نشان از قدرت مضاعف آن گفتمان دارد؛ بنابراین، غسان و ضرایبی زاده به عمد چنین شخصیت هایی را از بطن جامعه انتخاب می کنند که حقیقت دارند و خیالی نیستند:

«آم سعد إمرأة حقيقة، أعرفها جيداً ومازالت أراها دائمًا وأحاديثها وأتعلّم منها، تربطني بها قرابة ما. ومع ذلك فلم يكن هذا بالضبط، ما جعلها مدرسة يومية، فالقرابة التي تربطني بها واهية إذا ما هي فيست بالقرابة التي تربطها بتلك الطبقة الباسلة، المسحورة والفقيرة والمرمية في مخيمات المؤس والتي عشت فيها ومعها، ولست أدرى كم عشت لها.» (٢٠١٣: ٧).

(ترجمه: آم سعد زنی واقعی است، او را بخوبی می شناسم وهمیشه او را می بینم و با او صحبت می کنم و از او یاد می گیرم، میان ما رابطه خویشاوندی وجود دارد. با این وجود، این رابطه به طور دقیق همان چیزی نیست که باعث شده او به مکتبی روزانه برای من تبدیل شود، بلکه رابطه خویشاوندی بین ما ضعیف است، بهویژه اگر این رابطه خویشاوندی با رابطه‌ای که او را به آن طبقه شجاع، سرکوب شده، فقیر و پرتاپ شده در اردوگاه‌های بدبختی که من در آنجا با او زندگی می کردم، مقایسه شود. نمی دانم که چه مدت به خاطر او زندگی کردم.)

يا درباره قدم خير، کتعاني که شخصيّت واقعی در رمان است و ضرایبی زاده درباره آن می نویسد: «این موضوع برای من بسیار تأمل برانگیز بود، زنی که در روستا زندگی می کرد، به فضای شهر آمده و به تهایی در اوج جوانی، تمام هم و غمیش بزرگ کردن فرزندانش شده بود؛ بنابراین، تصمیم گرفتم درباره فراز و نشیب‌های زندگی این زن با او مصاحبه کنم.» (۱۳۹۰: ۱).

حربه دیگر قدرت که در مقابل گفتمان غالب در جامعه در رمان شکل می گیرد، جنگ است که می کوشد بر گفتمان رمان تأثیر گذاشته و آن را به سمت و سویی که خود می خواهد، یعنی مخالفت با جنگ و دست شستن از مبارزه و پایداری بکشاند؛ اما رمان های یادشده، این ایده را بر نمی تابند و جنگ سبب نمی شود تا نقش مبارزه و مقاومت آنها کم رنگ شود؛ اما این هیچ وقت به معنای تبلیغ جنگ و علاقه به ادامه آن نیست و این رمان ها در اساس، داستان هایی ضد جنگ هستند. غسان و ضرایبی زاده با ترسیم شخصیت هایی پر روماتیک می کوشند زندگی واقعی مردم و نه زندگی هاله سازی شده تبلیغات جنگ را نشان دهد. فضای جنگ نه همواره فضای مقاومت و ایثار، بلکه فضای دلهره، ترس، نارضایتی و مرگ است. در این رمان ها مردمی با گوشت و پوست و استخوانشان در حال تجربه جنگ هستند. غسان و ضرایبی زاده در رمان های آم سعد و دختر شینا می کوشند تا از جنگ تقدس زادی کنند. آن ها در این آثار، سعی دارند فرم های مختلف خشونت جنگ را نشان دهند؛ همچنین اسطوره سازی و قهرمان پروری یکی دیگر از اهداف این دونویسنده بوده است؛ بنابراین، در هردو رمان، شخصیت های اصلی، یعنی آم سعد و قدم خیر، دوست دارند جنگ تمام شود و فرزند و همسرشان سالم به خانه و زندگی شان بر گردند:

«وَأَنْتَ؟ مَاذَا ستفعل يا ابن العِم؟ عشرون سنة مضت وأمس تذَكَّرْتُكَ أَنْ أَسْعِمُ فِي اللَّيلَ أَنَّ الْحُربَ انتَهَتْ، وَقُلْتَ لِنَفْسِي يَجِبُ أَنْ أَزُورُهُ، وَلَوْ كَانَ سَعْدُ هَنَا لِقَالَ لِي: هَذِهِ الْمَرَّةُ دُورُهُ هُوَ أَنْ يَزُورُنَا ... فَهَلْ سَتَفْعُلُ؟؟» (۲۰۱۳: ۱۵).

(ترجمه: وتو؟ چه کار می‌کنی پرسمعوم؟ بیست سال گذشت و دیروز به یادت افتادم، وقتی شب شنیدم که جنگ به پایان رسیده است، با خودم گفتم باید او را ببینم و اگر سعد اینجا بود به من می‌گفت: این‌بار، دیگر نوبت اوست که به دیدن ما بیاید... پس آیا این کار را می‌کنی؟)

یا اینکه در رمان دخترشینا، قدم خیر هربار که شوهرش از مرخصی بر می‌گردد، دوست دارد بیشتر پیش او بماند و هر بار از او قول می‌گیرد که دیگر به جنگ نرود:

«ازمستان ۱۳۶۴ بود، بار آخری که به مرخصی آمد، گفتم صمد این‌بار دیگر باید باشی. به قول خودت این آخری است ها!» (۲۰۷: ۱۳۹۰)

در رمان‌های غستان، راوی می‌تواند از شخصیت‌های داستان باشد و در عین حال می‌تواند هیچ کدام از آن‌ها نیز نباشد. او تنها تماشاگر این ماجراهای غمانگیز است. در اینجا جنگ از آن قلمروی اخلاقی که با گفتمان رسمی تولید می‌شود، فاصله می‌گیرد.

غسان و ضرابی زاده در این دو رمان می‌کوشند نارضایتی عاطفی شان را از جنگ و فضایی که ایجاد شده است، بیان کنند. غستان با نشان دادن انواع خشونت در جنگی که خود شاهد مستقیمش بوده است، مخاطبانش را با چهره واقعی جنگ آشنا کند. در هر جنگی این گفتمان‌های خشونت هستند که برای توجیه هر عملی به جریان می‌افتد و با استفاده از احساسات میهن‌پرستی و مذهبی و قومی مردم، نقد خودش را به ویژه در آن لحظات دور از دسترس جلوه می‌دهد؛ اما در رمان‌آم سعد و دخترشینا، با خلاصه نویسنده‌هاش، تنها نشان دادن همان جنگی که در جریان است، کافیست تا خواننده را در گیر خوانشی پذیرا و سازنده کند. خوانشی که هدفش قهرمان‌پروری و توجیه جنگ و گفتمان‌های آن فضاست.

### ۳. نتیجه‌گیری

در تحلیل رمان‌های آم سعد و دخترشینا دیده شد که چگونه گفتمان خشونت و جنگ در جامعه به یکدیگر پیوند خورده و در زبان قربانی‌هایشان نیز باز تولید می‌شوند؛ از طرف دیگر، با توجه به نظام ارزش‌هایی که در هر جامعه وجود دارد و در گفتمان رسمی آن جامعه و در هر متنه (ادبی و غیر ادبی) کم و بیش تکرار می‌شود، می‌توان با بررسی رمان‌های یادشده که در ژانر رئالیسم اجتماعی نیز قرار می‌گیرند، به درک روشن تری از ارزش‌های آن جامعه دست یافت. این رمان‌ها، جامعه در گیر در جنگی را نشان می‌دهند که بعضی از عناصر ارزشی اش بنا به اضطرار در گفتمان‌های رسمی و غیر رسمی جای می‌گیرند و بر جسته‌سازی می‌شوند که می‌توان به گفتمان میهن‌پرستی، مقاومت و پایداری، اشاره کرد.

رمان‌های مورد بررسی و تحلیل آن در سه سطح این الگو، نتایج زیر را دربی داشته است:

- در سطح توصیف رمان‌ها باید گفت که به‌طور کلی زبان این رمان‌ها روان و برای خوانندگان قابل فهم است. اسلوب بیان استوار، متین و دارای صداقت لحن است. عناصر تکرار در رمان‌ها که بیشتر درباره مفاهیم اخلاقی بوده است، نشان از اهمیت بالای آن در عصر نویسنده دارد. صحنه پردازی بخش قابل توجهی از این دو رمان را به‌خود اختصاص می‌دهد. این تصویرپردازی‌ها به خواننده کمک می‌کند تا به درک عمیقی از موضوع و درون‌مایه اصلی رمان‌ها دست یابد.

- در سطح تبیین که بیانگر ایدئولوژی نویسنده است، مبارزه و مقابله با اشغال وطن و پایداری و مقاومت جلوه می‌نماید.

- در سطح تفسیر، بافت موقعیتی داستان بررسی می‌شود که زمان این داستان به سال‌های اشغال فلسطین به‌وسیله اشغالگران صهیونیستی و جنگ ایران و عراق بر می‌گردد که حضور آن در سرتاسر این دو رمان قابل مشاهده است. در بافت درونی نیز تفکر مبارزه با اشغال و پایداری و مقاومت مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) غسان کتفانی: در عرصه ادبیات داستانی، هنر و ادبیات مقاومت فلسطین، نام غسان کتفانی نویسنده بزرگ و پرآوازه این کشور بیش از سایر نویسندگان به‌چشم می‌خورد، تأثراً از زبان‌های آثار وی به زبان‌های انگلیسی، اسپانیولی، آلمانی، راضی، مجاری، چکی و روسی و فارسی ترجمه شده است و باوجودی که سال‌ها از شهادت غسان می‌گذرد، آثار وی اعم از قصه‌های کوتاه یا رمان و آثار ادبی وی، مورد بحث پژوهش‌های ادبی و دانشگاهی و غیر دانشگاهی در خاور و باختر جهان و دنیای عرب است و پژوهشگران بسیاری آثار داستانی وی بررسی و تحلیل کرده‌اند.

کتفانی، یکی از مشهورترین نویسندگان ادبیات عرب است که در شکل‌گیری ادبیات مقاومت و معروفی آن به جهانیان نقش بسزایی داشت. وی در آوریل سال ۱۹۲۶ میلادی در شهر عکای فلسطین متولد شد. با اشغال فلسطین، او و خانواده اش مجبور شدند سرزمین خود را ترک کنند. آوارگی در لبنان، پناه‌جویی از سوریه و تبعید به کویت، بخش عمده‌ای از زندگی او را در جستجوی هویت اصلی خویش شکل داد. افزون بر تدریس در اردوگاه‌های پناهندگان فلسطینی و فعالیت مطبوعاتی و سیاسی؛ آثار متعدد داستانی، چند نمایش نامه و کتاب در زمینه نقد ادبی حاصل عمر کوتاه و پریار اوست. وی در سال ۱۹۷۲ میلادی در حادثه‌ای تروریستی به شهادت رسید (ر.ک: بصیری و فلاح، ۱۳۹۳: ۱).

(۲) بهناز ضرابی‌زاده: در سال ۱۳۴۷ در همدان دیده به‌جهان گشود. ضرابی‌زاده کارشناس مسئول آفرینش‌های ادبی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. او تاکنون سردبیری نشریه استانی جاودانه‌ها، دبیر انجمن داستان دفاع مقدس از سال ۱۳۸۶، عضو شورای نویسندگان بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، عضو شورای انتخاب کتاب بنیاد شهید استان همدان، دبیر انجمن داستان سازمان بسیج هنرمندان را بر عهده داشته است. تألیف و چاپ بیش از دویست و پنجاه اثر داستانی و ادبی در نشریات و مجلات برگزیده کشوری از دیگر فعالیت‌های وی است ([www.sooremehr.ir](http://www.sooremehr.ir)).

ضرابی‌زاده در بیش از سی جشنواره داستان‌نویسی سراسری از جمله کسب مقام اول در نخستین جایزه داستان ویژه مخاطبان کودک و نوجوان با موضوع امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، برگزیده شده و در چهارمین و ششمین جایزه ادبی اصفهان از وی تقدير شده است و کسب مقام‌های برگزیده در هشتمین، نهمین و دهمین جشنواره مجمع خبرنگاران و نویسندگان دفاع

مقدّس را در کارنامه خود دارد. او همچنین مقام‌های اوّل، دوم، سوم در یادواره شهدای دانشجویی کشور، مقام برتر در کنگره سراسری حضرت زینب (س)، مقام برگزیده در سیزدهمین جشنواره کتاب سال (سلام) برای تألیف کتاب آدم‌برفی را دارد. در سال ۱۳۸۸ آموزش و پژوهش و سازمان بسیج هنرمندان، او را به عنوان نخبه بسیجی معزّی کردند. داوری مسابقات مختلف ادبی استانی، بیش از ده مورد همکاری با مجلات کیهان پژوهها و رشد دانش آموز رانیز در کارنامه درخشنان خود دارد (www.farhangnews.ir).

## منابع

آقاگلزاده، فردوس (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات. *ادب پژوهی*، ۱(۱)، ۲۷-۱۷.

بصیری، محمدصادق و نسرین فلاح (۱۳۹۳). مبانی نظری ادبیات مقاومت در آثار غستان کنفانی. *ادبیات پایداری*، ۶(۱۰)، ۶۵-۹۰.

بهرامپور، شعبانعلی (۱۳۷۹). درآمدی بر تحلیل گفتمان و تحلیل گفتمانی. تهران: فرهنگ گفتمان.  
حدادی، الهام؛ فریده دادوی مقدم و مصطفی گرجی (۱۳۹۰). کردار گفتمانی و اجتماعی در رمان مدار صفر درجه برپایه الگوی تحلیل گفتمان فرکلاف. *نقدهایی*، ۵(۱۸)، ۲۵-۴۹.

سجودی، فرزان و فاطمه احمدی (۱۳۸۸). تحلیل انتقادی گفتمان فیلم «رسرو آبی». *هنر و معماری، پژوهشنامه فرهنگستان هنر*، ۶(۱۲)، ۱۱۲-۱۲۸.

سعیدی‌نیا، گلرخ (۱۳۸۸). زبان و جهانی شدن، نورمن فرکلاف. *زبان و زبان‌شناسی*، ۵(۱۰)، ۱۸۱-۱۸۶.  
سلطانی، سید علی اصغر (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان. تهران: نشر نی.  
 ضرابی‌زاده، بهناز (۱۳۹۰). دختر شینا. تهران: سوره مهر.

عباسی، نسرین و صلاح الدین عبدالی (۱۳۹۱). بررسی رمان الصیار سحر خلیفه (براساس الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف). *نقدهای معاصر عربی*، ۲(۳)، ۱۰۱-۱۲۳.

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

فلاحی، محمد هادی؛ نسترن توکلی و سیامک صاحبی (۱۳۸۹). بررسی و نقد روایی گلستان براساس نظریه تحلیل انتقادی گفتمان. *پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، ۱(۱۶)، ۱۰۹-۱۳۴.

کنفانی، غسان (۲۰۱۳). اقم سعد. بیروت: مؤسسه کنفانی الثقافية للطبعـة والتـشـرـ.

مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۸۲). دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگاه.  
 وان دایک، تون. ای. (۱۳۸۲). تحلیل انتقادی گفتمان. گروه مترجمان ایزدی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

یحیایی ایله‌ای، احمد (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان چیست. *تحقیقات روابط عمومی*، ۱۰(۶۰)، ۵۸-۶۴.

<p>الترقيم الدولي الموحد للطباعة: ٦٥١٥-٦٩٧٦ الترقيم الدولي الموحد الإلكتروني: ٦٥٢٣-٦٩٧٦</p>	<p><b>مجلة بحوث في الأدب المقارن</b> <a href="https://jccl.razi.ac.ir/">https://jccl.razi.ac.ir/</a></p>	
---	--	--

مقالة علمية

بحوث في الأدب المقارن (الأدرين العربي والفارسي)  
جامعة رازى، السنة التاسعة، العدد ٤ (٣٦)، شتاء ١٤٤١، صص. ٣٧-١٩

## استعراض ونقد لرواية أم سعد و دختر شيئاً على أساس تحليل الخطاب النبدي لفركلاف

مهين حاجي زاده<sup>١</sup>

أستاذة مشاركة في قسم اللغة العربية وأدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الشهيد مدني بأذربیجان، تبريز، إيران

معصومه قهرمانپور<sup>٢</sup>

طالبة الدكتوراه في فرع اللغة العربية وأدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الشهيد مدني بأذربیجان، تبريز، إيران

القبول: ١٤٤١/٣/٢٢

الوصول: ١٤٣٩/١١٤

### الملخص

الخطاب النبدي هو شكل كامل من تحليل الخطاب، حيث يتم تحديده ودراسته فيما يتعلق بالطبقات اللغوية للخطابات الفعالة في العمل الأدبي. في الواقع، تستند هذه النظرية على مخوريين رئيسين: التحليل اللغوي والتحليل الاجتماعي وفي بحث تحليل الخطاب النبدي لهاتين المخاورين، يقال عن العلاقة بين هاتين الكلمتين. في النهج الاجتماعي للخطاب، يتم وصف السياق وفي التهجّل اللغوي، يتم وصف نسج النص. يسعى هذا البحث، بالنظر إلى أنواع الروابط، إلى دراسة الجوانب الأدبية والاجتماعية لرواية أم سعد من غسان كفانى و دختر شيئاً من هنارز ضرابي زاده على أساس خوذج الخطاب النبدي لفركلاف عن طريق المنهج الوصفي - التحليلي واستخدام أدوات المكتبة. وهناك تقدیرات، بما في ذلك: على مستوى وصفي، تنظيم جزء كبير من هاتين الروايتين، تساعد هذه الرسوم التوضيحية القارئ على اكتساب فهم عميق للموضوع والإلهام الرئيسي للقصة والرواية. على مستوى التعليق، يجري تحليل سياق القصة، تلك الفترة في رواية أم سعد تعود إلى سنوات الاحتلال فلسطين من قبل الاحتلال الصهيوني وفي دختر شيئاً لسنوات الحرب بين إيران والعراق. على مستوى التفسير، الذي يعكس إيديولوجية الكاتب، يظهر التضال وللمقاومة لاحتلال الوطن والاستقرار والمقاومة. أيضاً، في السياق الداخلي، تم تناول التفكير في مكافحة الاحتلال والاستدامة والمقاومة للمؤلف.

**المفردات الرئيسية:** الأدب المقارن، الخطاب النبدي، أم سعد، دختر شيئاً.

